

به نام خدا

تدوین فلسفه ادبیات کودک

به وسیله ی:

مرتضی خسرونژاد

پایان نامه

ارائه شده به معاونت تحصیلات تکمیلی به عنوان بخشی از
فعالیت های تحصیلی لازم برای اخذ درجه دکتری

در رشته ی:

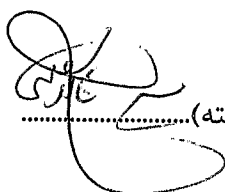
تاریخ و فلسفه تعلیم و تربیت

از دانشگاه شیراز

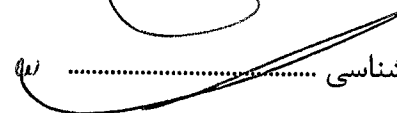
شیراز

جمهوری اسلامی ایران

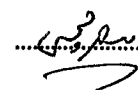
ارزیابی و تصویب شده توسط کمیته پایان نامه با درجه: عالی



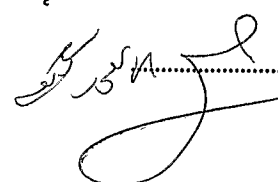
دکتر سید علی اکبر حسینی، استاد بخش مبانی آموزش و پرورش (رئیس کمیته).....



دکتر لطف الله یار محمدی، استاد بخش زبان های خارجی و زبانشناسی.....



دکتر نیک چهره محسنی، استاد دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران.....



دکتر فریده پورگیو دانشیار بخش زبان های خارجی و زبانشناسی.....

خرداد ۱۳۸۱

۳۲۶۴۵

۱۳۸۱ / ۵ / ۳۰

روز اطفای آگ در تمام ایران
تعمیر آگ

۳۲۶۴۵

با یاد پیش آهنگان ادبیات کودک ایران:

جبار باغچه بان

و

صبحی مهتدی

۳۲۶۴۸

سپاسگزاری

پیش از هر چیز لازم می آید از معلم گرانقدرم استاد سید علی اکبر حسینی سپاسگزاری نمایم که بی حضور، حمایت و تشویق های ایشان، هم انتخاب این موضوع و هم انجام این پژوهش هرگز ممکن نمی شد. ایشان با شکیبایی و بلند نظری، متن پژوهش را بارها خواندند و با نظرات ارزشمند خویش راهگشای معضلات گردیدند.

اساتید گرانقدر دیگر نیز، جناب آقای دکتر یارمحمدی، سرکار خانم دکتر محسنی و سرکار خانم دکتر پورگیو، با مطالعه دقیق و ارائه نظرات سودمند خود پژوهشگر را راهنمایی بسیار نموده اند.

همچنین استاد گرانقدر جناب آقای دکتر مهرمحمدی با ژرف نگری خاص خویش متن کامل را مطالعه نموده و با ارائه نظراتی ارزشمند، بیش از پیش پژوهشگر را در جهت بهبود کار یاری رسانده اند.

جناب آقای دکتر میرقادری نیز با مطالعه متن اینجانب را از نظرات خویش بهره مند نموده اند.

همسرم - خانم آدینه پور - همچون یک همکار در این پژوهش مرا یاری داده است و در همه حال از نظرات و هم صبوری هایش بهره برده ام. و فرزندانم - مریم و سارا - اجازه داده اند که پدرشان ماه ها و سال های بسیاری را - به جای ایشان - با ادبیات کودک بگذرانند. و سرانجام سرکار خانم پورعماد کارشناس محترم علوم تربیتی با ذوق و سلیقه ویژه ای زحمات صفحه آرایی و آماده سازی متن برای ارائه را بر عهده گرفته اند. تشکر از همه این یاوران، اندک کاری است که از این پژوهشگر بر می آید.

تدوین فلسفه ادبیات کودک

به وسیله ی
مرتضی خسرونژاد

مقایسه ادبیات کنونی کودک کشور ما با ادبیات کودک کشورهای پیشرفته و نیز مقایسه آثار این ادبیات با آنچه جبار باغچه بان - به عنوان آغاز گر ادبیات نوین کودک ایران - ارائه کرده نشان می دهد که ادبیات کودک ما آنگونه که باید به پیش نرفته است. صرف نظر از تاثیر مسائل اجتماعی و فرهنگی و دیگر مسائل بیرونی، به نظر می رسد که عدم وجود نقد روشمند، یکی از علل عمده در این زمینه است و نقد روشمند نیز بی وجود نظریه ای که اصول و مبانی خود را بر خود " ادبیات کودک " - و نه عوامل بیرونی - بنا گذاشته باشد، تحقق نخواهد یافت.

بنابر باور این پژوهش " نظریه ادبیات کودک " و " فلسفه ادبیات کودک " یکسان فرض شده اند. فرض دیگر آن است که ادبیات کودک وجودی مستقل از ادبیات است و شامل آثاری است که قدرت برقراری ارتباط با کودک را دارا هستند. پس در ادبیات کودک چیزی است که کودک را به خود می خواند و نیز در کودک چیزی است که به این دعوت پاسخ می دهد. از همین رو، برای کشف ماهیت، هدف و روش ادبیات کودک، این پژوهش از تحلیل هر دو سوی ارتباط - " کودک " و " ادبیات کودک " - بهره برده است. روش پژوهش حاضر، تالیلی - تجربیدی است و واحدهای تحلیل در مفهوم " کودکی " نظریه های کودکی، و واحدهای تحلیل در " ادبیات کودک "، افسانه های ایرانی بوده است.

پژوهش حاضر مبتنی بر نظریه ویلیام بلیک - شاعر و پرده نگار انگلیسی - و سازه های پیشنهادی وی - معصومیت، تجربه و معصومیت نظام دار - کوشید در یک با هم نگری در نظریه های روانشناسی، فلسفه و فلسفه تعلیم و تربیت، این سازه ها را بارورتر و گسترده تر و هم ویراسته تر سازد و به مفهوم " کودکی " معنایی ویژه بخشد. مطابق با این معنا " کودک " نه آنچنان که برخی رویکردهای رمانتیک انگاشته اند، هدف و نه آنچنان که جامعه گرایان پنداشته اند، وسیله است. بلکه او همچون فرایندی است که هر لحظه در کار شدن است و مسیر این شدن گذر مدام از معصومیت به معصومیت نظام دار - از طریق عبور از تجربه - است. مسیری که همچون حلقه هرمنوتیکال فهم هر بار فربه تر از پیش پیموده می شود. این با

هم نگرى در نظريه بزرگانى همچون فرويد، اريكسون ، مازلو ، پياژه ، كلمن و دريدا همخوانى ها و هماهنگى هاى بسيارى با نظريه بليك مشاهده نمود.

از سوى ديگر تحليل افسانه هاى ايرانى نيز به نتيجه اى مشابه انجاميد. افسانه ها از آن رو به عنوان واحدهاى تحليل برگزيده شدند كه طى قرن ها توانسته اند ارتباطى ژرف با كودكان همه دوران ها برقرار نمايند. تحليل افسانه هاى ايرانى نشان داد كه طرح افسانه ها ، كاملاً گويايى حركت معصوميت به سوى معصوميت نظام دار از طريق عبور از تجربه است. بنا بر اين هر افسانه از آغاز تا به پايان همان مسيرى را مى پيماید كه كودك در رشد خود مى پيماید. به اين شكل توان گفت كه هدف ادبيات كودك تسهيل فرا باليدن كودك از معصوميت به معصوميت نظام دار - و به عبارتى ديگر تسهيل فرايند خودشكوفايى او- است.

در نتيجه تحليلى مشابه ، روش ادبيات كودك نيز در كل، " تمرکز زدایی " است ، كه با شگردهاى همچون " مداخله راوى " ، " اغراق " ، " وارونه سازى " ، " خودنمايى- يا خود فاش سازى " و " پايان خوش " تحقق مى يابد.

نظريه معصوميت و تجربه كه پيش از اين كارآيى خود را در تاويل و هم نقد سروده هاى شاعران معاصر كودك ايران نشان داده بود اينك توانست در تاويل و نقد افسانه هاى ايرانى نيز توانمندى خویش را آشكار سازد. ارائه يك طبقه بندى تازه از افسانه هاى ايرانى- كه در اين پژوهش صورت گرفت- نيز يكي ديگر از جلوه هاى اين توانمندى است. تاويل و نقد داستان هاى معاصر كودك ايران، تاويل و نقد آثار كلاسيك ادبيات كودك جهان و نيز تاويل و نقد افسانه هاى مردمان اروپا زمينه هاى تازه براى سنجش و ويرايش هرچه بيشتتر نظريه مورد بحث - در تحقيقات آينده - فراهم خواهند آورد.

پژوهش حاضر در شش فصل- به شرح زير- تدوين و ارائه گردیده است:

فصل اول: مقدمه (شامل اهميت ، ضرورت ، تعاريف ، هدف و روش پژوهش)،
فصل دوم : مرورى بر مطالعات پيشين (شامل تقسيم بندى نظريه هاى موجود در نقد ادبيات كودك و تعيين جاىگاه پژوهش حاضر)، فصل سوم: درآمدى بر فلسفه ادبيات كودك (شامل موقعيت و ويژگى هاى ادبيات كودك، ويژگى ها و مسائل فلسفه ادبيات كودك) ، فصل چهارم: هدف ادبيات كودك. فصل پنجم: روش ادبيات كودك. فصل ششم : با هم نگرى و نتيجه گيرى.

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۱	فصل نخست: مقدمه
۱۲	فصل دوم: مروری بر مطالعات پیشین
۲۵	فصل سوم: درآمدی بر فلسفه ادبیات کودک
۴۴	فصل چهارم: هدف ادبیات کودک
۹۱	فصل پنجم: روش ادبیات کودک
۱۰۹	فصل ششم: با هم نگری و نتیجه گیری
۱۲۷	منابع فارسی
۱۳۲	منابع انگلیسی

فصل نخست

مقدمه

۱. اهمیت و ضرورت انجام پژوهش

“قدمت قصه به قدمت سخن گویی انسان است. بی قصه انسان هلاک می شد، همچنانکه بی آب” (داینسن^۱ به نقل از گرین^۲: ۸: ۱۹۹۶). خواه منشأ قصه را نیاز انسان به فائق آمدن بر مشکلات طبیعی و اجتماعی خویش بدانیم، آنچه‌انکه روت سایر^۳ (۱۹۶۲) نشان داده است، خواه آن را برآمده از کهن الگوهای روانی فرد قلمداد کنیم آنچه‌انکه یونگ مطرح کرد و یا همچون فروید خلق داستان را همانند تراوش رؤیا، نتیجه ساز و کار پالایش بدانیم و یا به هر تبیین دیگر در مورد پیدایی قصه باور داشته باشیم این قول را که مستند به پژوهش‌های تاریخی است انکار نمی توانیم کرد که “قدمت قصه به قدمت سخن گویی انسان است.” و نیز این نتیجه گیری را که آنچه اینقدر قدیم است و در همان حال بسیار جدید نیز هست، آنچه با انسان سخن گو زاده شده و تا به امروز نیز در کنار او مانده، به ناگزیر پاسخی بوده است به ضرورتی.

به گفته کراگو^۴ (۱۹۹۹) تمام این شواهد دال بر آن است که قصه گویی، یا دست کم منظم کردن مواد خام تجربه به صورت طرح‌هایی خاص، برای انسان، همچون تنفس، امری اساسی است.

اگرچه قصه و شعر نیز، همچون عشق، تبیین و هم توصیف ناپذیر است اما پژوهشگران حیطه‌های گوناگون معرفت بشری کوشیده‌اند اهمیت و ضرورت پرداختن به آن را بازنمایانند. در ایران و یونان باستان که دو مهد آندیشه و هنر بشر بوده قصه و قصه گویی - هم از آغاز - در

^۱. Dineson

^۲. Green

^۳. Ruth Sayer

^۴. Crago

زمرهٔ روش های تربیتی به حساب می آمده است. آنچه‌انکه افشارفر (۱۳۷۳:۳) از قول استرابو تاریخ نگار و جغرافی دان یونان نقل می کند "از سن ۵ تا ۲۴ سالگی به پارسیان می آموزند که تیر و زوبین بیندازند، راست سوار شوند و راست گویند. آموزگار ایشان مردمی پاکدامن و شریف هستند. با داستانها و افسانه های سودمند، کارهای ایزدان و مردان نامی را گاه با نوای موسیقی برای کودکان باز می گویند."

افلاتون نیز در **جمهور** ضرورت و اهمیت تربیت کودک از طریق داستان و افسانه را مطرح نموده، با توجه به این واقعیت که یونانیان، پیش از پرورش تن از طریق قصه گویی به پرورش روح کودکان خویش می پردازند و مبتنی بر این باور که "گرچه حقایقی در قصه ها نهفته است، آن ها داستان هایی دروغ اند" شنیدن هر قصه ای را از هر کسی مجاز نمی داند. وی توصیه می کند که . . . باید مراقب شاعران قصه پرداز باشیم و قصه های خوب را برگزینیم و افسانه های بد را کنار بگذاریم. سپس باید مادران و دایه ها را با قصه های خوب آشنا سازیم و بر آن داریم که آن ها را به کودکان بگویند و از این راه به روح کودکان خود خدمتی کنند بسیار بزرگتر از خدمتی که با دست های خود برای آسایش تن آنان می کنند. (ص ۹۴۱)

در ادیان گوناگون نیز به قصه و روایت توجهی خاص شده است. اوستا، کتاب مقدس ایرانیان باستان مملو از داستان های اسطوره ای دربارهٔ ایزدان و پهلوانان، ستیز نیروهای نیک و نیروهای بد هستی و مظاهر گوناگون طبیعت، زمین و آسمان و آب و گیاه و آدم، و آفرینش آنان است.

در انجیل، کتاب مقدس مسیحیان نیز، داستان های بسیاری روایت شده است. ^۱هاک^۱ (۱۹۹۳) در قسمتی از اثر برجستهٔ خویش، **ادبیات کودک در مدرسه ابتدایی** - که باب سخن دربارهٔ ادبیات سنتی را گشوده است، به ارزش های ادبی و تربیتی داستان های انجیل پرداخته و بر این باور است که این داستان ها نشان دهندهٔ کوشش آدمیان برای درک خویش، درک ارتباط خود با دیگران و نیز با آفریدگار است. وی سپس از این که کودکان ادیسه و گیلگمش را می خوانند و می شناسند اما با شخصیت های داستان های انجیل آشنا نیستند اظهار تأسف می نماید و می نویسد ما نباید از اینکه کودکانمان انجیل را بشناسند بترسیم بلکه آنچه هراس آور است عدم آشنایی آنان با کتاب مقدس است. ما باید بین رسوم مذهبی و تلقین یک دیدگاه خاص، با مطالعهٔ انجیل به عنوان یک اثر بزرگ ادبی تفاوت قائل شویم (ص ۳۷۵)

در قرآن کریم نیز بسیاری رمزها و رازها در پس پرده داستان پوشیده شده است و نظر بر آن بوده که همسو با فطرت آدمیان، پیام حضرت حق در قالب روایت درآید. سورآبادی به نقل از سعدبن ابی وقاص اظهار می کند:

قرآن کریم بر پیغامبر علیه السلام فرود می آمد در مکه و پیغامبر صلی الله علیه و آله بر یاران می خواند، مگر ملامتی به طبع ایشان راه

^۱. Huck

یافت گفتند "یا رسول الله لو قصصت علينا" چه بود اگر خدای تعالی سورتی فرستد که در آن سورت امر و نهی نبود و در آن سورت قصه ای بود که دل های ما بدان بیاساید. خدای گفت عزوجل: "نحن نقص عليك احسن القصص" اینک قصه یوسف ترا بر گویم تا تو برایشان خوانی (مهدوی، ۱۳۴۷، ص ۱۳۴)

مفسر مزبور، سپس در توضیح علت نامیدن قصه یوسف به احسن القصص ویژگی هایی از این قصه را ذکر می نماید که در واقع به نوعی، تأویل مضمون قصه نیز هست و همچون ملاکی در نقد قصه نیز تواند که به کار آید.

پژوهشگران عرصه تعلیم و تربیت نوین نیز توجهی خاص نسبت به ادبیات به طور کلی و نیز ادبیات کودک - به گونه ای ویژه - معطوف داشته اند و توانسته اند تأثیر این گونه از ادبیات را بر روی رشد شناختی، عاطفی، شخصیتی، اجتماعی و اخلاقی کودک به صراحت نشان دهند. از جمله گلیرز^۱ (۱۹۹۱) در کتاب خود ادبیات برای کودکان خردسال تحت عناوین "تقویت رشد زبانی کودک"، "تقویت رشد هوشی کودک"، "تقویت رشد شخصیتی کودک"، "تقویت رشد اجتماعی و اخلاقی کودک" و "تقویت رشد زیبایی شناختی و خلاقه" به بحث پرداخته، ساز و کار تأثیر ادبیات بر این عرصه های رشد را نشان داده، و نمونه های مشخصی از داستان ها و اشعار مناسب برای هر حیطه را معرفی نموده و سپس برنامه ویژه ای را برای اجرا در کلاس درس پیشنهاد داده است.

زایپس^۲، از نظریه پردازان و قصه گوینان بنام قصه گویی نیز در مقدمه اثر خود قصه گویی خلاق به ذکر دلایلی پرداخته که برانگیزاننده وی در تألیف کتاب مزبور بوده است:

از دیگر دلایل نگارش این کتاب مطرح کردن و در عین حال مقابله با دو خطر - از مجموعه خطرانی - است که کودکان را در مدارس تهدید می کند، نخستین خطر تمایل به استانداردهای غیر قابل انعطاف برنامه های درسی است که تحت عنوان فرهنگ آموزی و افزایش آزمون های ملی و ایالتی به وسیله مقامات رسمی بیرون از مدرسه صورت می گیرد. (زایپس ۲: ۱۹۹۵)

بنا به تعبیر زایپس "محافظت اجتماع" از ناهنجاری ها عاملی است که مسئولین مدارس را بر آن می دارد تا کودکان را وادار به اطاعت از فرامینی نمایند که تماماً، نیازهای کودکان را نادیده گرفته است. وی ضمن اشاره به این مطلب که تلقی جامعه چنان است که کودکان آمریکایی نسبت به کودکان ژاپنی پیشرفت تحصیلی کمتری دارند این باور را که راه چاره "بالا بردن نمرات آزمون کودکان آمریکایی است" مورد انتقاد قرار می دهد و اظهار می دارد که بهتر است که در آموزش و پرورش ارزش های اساسی تری را مورد نظر قرار دهیم و به جای

^۱. Glazer

^۲. Zipes

یکدست کردن مفاهیم و محتوای کتاب های درسی شرایطی فراهم آوریم که همه مردم بتوانند در بازآفرینی مفاهیم و ارزش ها شرکت جویند. نظر زاییس آن است که قصه گویی فرصتی مناسب در جهت رشد تفکر انتقادی و هم خلاق برای دانش آموزان ایجاد می کند و با دادن اجازه ورود به این هنر به مدارس، ما نشان می دهیم که مدارس "مؤسساتی نیستند که صرفاً برای اصلاح و یا تنبیه رفتار" مورد استفاده قرار می گیرند.

مک گین^۱ (۱۹۹۷) رابطه داستان و آموزش اخلاقی را مورد بحث قرار داده بر آن است که اثر داستانی می تواند خیر و شر را به شیوه ای ببیند و احساس کند که هیچ رساله فلسفی دانشگاهی قادر به توضیح آن نیست. فضای بی روح و ملال آور بحث های اخلاقی دانشگاهی در اثر ادبی رنگ می بازد (ص ۱۷۶) وی سپس از داستان هایی یاد می کند که به اعتراف برخی خوانندگان زندگی آنان را دگرگون کرده است. او می گوید چنین بازنگری عمیقی در دیدگاه فرد، در ماهیت خود، اخلاقی است و یک رمان می تواند دیدگاهی تازه و کاملاً اخلاقی در خواننده به وجود آورد. گویی ما خود در رویدادهای داستان زندگی می کنیم و بنابراین طبیعی است که به دیدگاه اخلاقی نوینی نیز دست یابیم. (ص ۱۷۷)

گورین^۲ (۱۹۹۸) در اثر خود با عنوان **به سوی قلب فضیلت** شیوه های پیچیده تأثیر افسانه های پریان بر تصورات اخلاقی فرد را - از نخستین سال های کودکی - مورد بحث قرار داده و با تحلیل تعدادی از افسانه ها و داستان های نوین کودک، ساز و کار این تأثیر را نمایان ساخته است. وی بر آن است که تفکیک خیر و شر به صورت "یا این، یا آن" برای کودک کاملاً قابل درک و از این رو جهت گیری به سوی خیر پیشنهاد شده در افسانه برای کودک کم سال به راحتی امکان پذیر است.

تأثیرات ادبیات بر سلامت روانی کودکان نیز موضوع بحث ها و پژوهش های بشمار است. از برجسته ترین نمونه ها در این زمینه می توان از اثر کلاسیک بتلهایم^۳، **کاربردهای افسون**، (۱۹۷۶)، **استفاده درمانی از داستان با ویراستاری دوپودی**^۴ (۱۹۹۷)، و مقاله ای که کراگو^۵ (۱۹۹۹) تحت عنوان "شرح حال درمانی" نوشته، نام برد.

"توی"^۶ و "پرنده ویل"^۷ (۲۰۰۰) در تأمل متفاوتی بر داستان های قومی و نمایشنامه و تأثیر این دو گونه ادبی در برانگیختن دانش آموزان به توجه به نیازهای دیگران، به گسترش

^۱. MacGinn

^۲. Guroian

^۳. Bettlheim

^۴. Dwivedi

^۵. Crago

^۶. Toy

^۷. Prendiville

نگرش های اجتماعی، و به ارتباط مهم زبان و محیط اجتماعی، پیشنهادهایی عملی و خلاقانه برای تبدیل افسانه های سنتی به نمایش، در کلاس درس ارائه داده اند. سرانجام جامع تر از همه هاگ (۱۹۹۳) ارزش های ادبیات کودک را در دو مقوله شخصی و تربیتی مورد بحث قرار داده و با تکیه بر پژوهش های انجام شده در هر زمینه مقولات مورد بحث را صراحت بخشیده است.

به این ترتیب بر اساس پژوهش هایی که اغلب نویسندگان و پژوهشگران مزبور، به آن ها پرداخته یا جمع آوری نموده اند کارآیی ادبیات کودک در تربیت نسل نو را شاید بتوان تحت عناوین زیر خلاصه نمود:

لذت آفرینی ادبیات. ادبیات برای کودکان لذت آفرین و شادی بخش است و این عاملی مهم برای جبران وضعیت روحی بی است که آموزش رسمی در مدارس ایجاد نموده است. آموزش رسمی معمولاً خشک و عاری از جاذبه های لذتبخش برای کودکان است. هاگ، ضمن طرح اهمیت لذت آفرینی ادبیات کودک اظهار می دارد:

کودکان، پیش از آن که از آنان خواسته شود مهارت خواندن را به کف آرند، نیازمند این هستند که شغف را در کتاب ها بیابند اگر چنین شود، یادگیری خواندن، برای آنان، همچون راندن دوچرخه لذتبخش خواهد بود. (ص ۹)

بنا بر اظهار هاگ، عشق به خواندن و ذائقه ادبی، بزرگترین هدایایی است که ما می توانیم به کودکان خود بدهیم.

توانمندی ادبیات در برانگیختن توانایی کلی تفکر. بسیاری از پژوهشگران برآنند که مسیر اصلی تفکر و فعالیت های ذهنی ما معمولاً "روایت" گونه است و شکل داستانی دارد. این پژوهشگران برآنند که تمام تصور و ساختاری که ما از واقعیت داریم در واقع داستان هایی هستند که ما درباره خودمان و یا جهان - به خویش - می گوئیم. باربارا هاردی^۱ (۱۹۷۸:۱۳) در این باره می گوید:

رؤیای ما در قالب داستان است. رؤیا، بیداری ما در قالب داستان است. یادآوری ها، پیش بینی ها، امیدها، نومیدی ها، یقین ها و شک های ما شکل داستان دارد، همچنین، ما به وسیله داستان طرح می ریزیم، انتقاد می کنیم، می آموزیم و نفرت و یا عشق می ورزیم.

^۱ Barbara Hardy

به تعبیر این پژوهشگران فرایندی که ما طی آن زندگی و جهان را مدون می‌نمائیم و در قالب نظریه‌های مختلف اظهار می‌کنیم فرایندی داستان گونه است و مبنای رشد و بالیدن آن نیز مواجهه ما با ادبیات در نخستین سال‌های زندگی است.

خیال انگیزی ادبیات. ادبیات به کودک یاری می‌رساند با افکار و واقعیت‌هایی آشنا شود که پیش از آن هرگز آشنا نبوده است. ادبیات، امکانات دیگر هستی را به روی کودک می‌گشاید. به گفته بتلهایم: "افسانه‌های پریان ارزشی بی‌همتا دارند زیرا ابعاد تازه‌ای از تخیل را به روی کودک می‌گشایند که کشف آن‌ها در واقعیت، به وسیله خود وی، ناممکن است." (بتلهایم ۱۹۷۹:۷)

توانایی ادبیات در ایجاد تجارب جانشینی. تجارب کودک محدود است اما ادبیات به وی کمک می‌نماید تا به زمان‌ها و مکان‌های مختلف سفر کند و بی‌آن‌که واقعاً این زمان‌ها و مکان‌ها را تجربه کرده باشد به گونه‌ای نیابتی، آن‌ها را دریابد. کودک، از طریق ادبیات، می‌تواند ماجراها، هیجانانگیز و افکار را تجربه کند که شاید در زندگی واقعی خود هیچگاه نتواند با آن‌ها برخورد نماید. هاک در بیان اهمیت این توانمندی ادبیات اظهار می‌دارد:

هنگامی که خواندن، کودکان را به مکانی دیگر، زمانی دیگر و یا دنیای تخیلی دیگری می‌برد، آنان، در بازگشت، غنی‌ترند... خواندن ما را به بیرون از خود، بیرون از زمان و مکان خود، می‌برد اما در پایان، ما را به خود برمی‌گرداند در حالی که ما همان‌مای نخست نیستیم و با این تجربه تازه اندکی تغییر کرده ایم. (ص ۱۲)

گسترش بصیرت نسبت به زندگی. ادبیات بازتاب زندگی است و از هم‌این‌رو می‌تواند به دیدگاه کودک نسبت به زندگی انسجام بخشد. می‌تواند او را نسبت به احساسات و عواطف انسانی خود آگاه سازد. در حالی که علم بر واقعیات - جنبه‌ای خاص از زندگی - تأکید می‌نماید، ادبیات می‌تواند با تأکید بر عواطف جنبه‌ای دیگر از زندگی را بر کودک آشکار سازد. یک فرد آن‌گاه می‌تواند بینشی ژرف نسبت به زندگی به دست آورد که قادر باشد با بینش دیگران، با عواطف و احساسات دیگران نیز به زندگی بنگرد. هر داستان ما را با تنوع دیدگاه‌ها و عواطف نسبت به مسأله‌ای واحد آشنا می‌سازد.

کمک به دریافت همگانی‌های تجارب بشری. مطالعه مستمر متون داستانی - کلاسیک و معاصر - و عبور از تجارب بشری در طول سالیان زندگی وی، خواننده را به دریافت مشترکات زندگی و تجارب انسانی را راهبر می‌شود. مشترکاتی که فارغ از زمان، مکان و افراد خاص، بیانگر جوهره تجربه انسان است. تجربه‌ای که نوع رابطه انسان با جامعه، طبیعت و مردمان را آشکار می‌سازد.

تأثیر ادبیات بر رشد زبان. اگرچه در مورد چگونگی کسب زبان توسط کودک، اتفاق نظر چندانی بین نظریه پردازان وجود ندارد اما در این که سنین پیش از دبستان بنیادی‌ترین

مرحله در رشد تکلم کودک است و نیز در این که محیط غنی بر این رشد مؤثر است اکثر نظریه پردازان متفق القولند. پژوهش های چاکوفسکی^۱ (۱۹۶۳)، چامسکی^۲ (۱۹۷۲)، کولینان^۳ و همکاران (۱۹۷۴) و پورسل - گیتس^۴ (۱۹۸۸) در مجموع بیانگر آن است که بهره مندی کودکان از ادبیات - داستان و شعر - در سنین اولیه رشد بر رشد واژگانی، نحوی و معنایی آنان در سنین بالاتر تأثیر مثبت دارد. پژوهش هایی مشابه - نیز - تأثیر آشنایی کودکان با ادبیات را بر رشد توانایی خواندن آنان آشکار ساخته است. همچون نمونه ای از این پژوهش ها می توان از کلارک^۵ (۱۹۷۶)، بتلر^۶ (۱۹۸۰) و کوهن^۷ (۱۹۶۸) نام برد. پژوهش های پرشماری نیز تأثیر مطالعه ادبیات بر رشد توانایی نوشتن را مورد پژوهش قرار داده اند. از جمله بیسکس^۸ (۱۹۸۰)، فاکس^۹ و آلن^{۱۰} (۱۹۸۳) و اکهف (۱۹۸۳) در تحقیقات روشمند خود این تأثیر را آشکار ساخته اند. ویلیامز^{۱۱} (۱۹۹۶) نیز رابطه مطالعه و سواد را در کودکان به تفصیل مورد بررسی قرار داده است.

ادبیات و تفکر انتقادی. تفکر انتقادی، همچون هدفی برای آموزش و پرورش، اخیراً مورد توجه جدی مربیان و نظریه پردازان حیطه تعلیم و تربیت قرار گرفته است. مایرز^{۱۲} (۱۳۷۴) ویژگی های تفکر انتقادی، مراحل آموزش آن و روش های ایجاد تعهد نسبت به این تفکر را مورد بحث قرار داده است و سیف (۴- ۱۳۷۹:۵۵۰) نیز به اختصار در این مورد سخن گفته است. هاک (۱۹۹۳) با ذکر این نکته که مقایسه، خلاصه کردن و یافتن اندیشه اصلی یک متن از اجزاء اصلی تفکر انتقادی است اظهار می دارد که ادبیات قادر است این توانایی ها را در کودک توسعه بخشد. او بر آن است که کودکان از طریق مقایسه روایت های مختلف از یک افسانه و یا شرکت در گفتگوهای پس از مطالعه ادبیات، می توانند به این مهم نائل آیند. با توجه به پژوهش های ذکر شده، ادبیات کودک، هم اکنون در برنامه درسی کودکان در کشورهای پیشرفته جایگاه ویژه ای دارد. اغلب منابع ذکر شده فوق، فصلی خاص را به "طراحی

¹. Chukovsky

². Chomsky

³. Cullinan

⁴. Purcell-Gates

⁵. Clark

⁶. Butler

⁷. Cohen

⁸. Bissex

⁹. Fox

¹⁰. Allen

¹¹. Williams

¹². Meyers

برنامه کلاسی برای ادبیات^۱ اختصاص داده اند. بجز ساعات ویژه تدریس ادبیات، هم اکنون از این رشته خاص در تدریس معرفت های دیگر - ریاضی، تاریخ، علوم، جغرافی و دین - نیز استفاده می شود. نقد ادبیات کودک و عرصه نظریه پردازی نیز در این حیطه - در کشورهای ذکر شده - هر روز شاهد دستاوردی تازه و رویکردی گسترش یابنده است. به عنوان مثال هانت (۱۹۹۲)، هانت (۱۹۹۵)، اگوف^۱ و استابز^۲ (۱۹۹۶) هانت^۳ (۱۹۹۶) و هانت (۱۹۹۹) مجموعه هایی ارزشمند از برجسته ترین نمونه های نقد و بحث های نظری در عرصه ادبیات کودک و مسائل مربوط به آن را جمع آوری و ویرایش کرده اند. طبیعی است که ادبیات کودک بدون گسترش نقد روشمند، پیشرفت نمی کند و نقد روشمند نیز بدون اتکاء به نظریه های محکم و مستدل امکان رشد نخواهد داشت.

در ایران، اما، کاستی ها و عقب ماندگی ها در این حیطه بسیار است. از عدم حضور ادبیات کودک (داستان و شعر) در نظام آموزش و پرورش رسمی کشور که بگذریم، با وجود گذشت بیش از ۲۵ سال از تدریس ادبیات کودک در دانشگاههای کشور هنوز یک کتاب درسی مطابق با سطح مطلوب موجود جهان در دسترس دانشجویان و علاقمندان قرار ندارد. مقایسه ادبیات کودک ما با ادبیات کودک ملل دیگر نیز - هرچند حدود ۷۸ سال از انتشار متون ویژه کودک و نوجوان را پشت سر گذارده ایم - پیشرفت قابل ملاحظه ای را نشان نمی دهد.

همینطور کوشش های انجام شده در زمینه نقد ادبیات کودک - بجز برخی تلاش های اخیر - در سیطره نظرهای شخصی و سوگیری های غیر متعلق به حیطه ادبیات کودک عقیم مانده است. شاید بتوان عدم پرداختن به جنبه های نظری این نوع ادبیات را یکی از عوامل مؤثر بر این پدیده دانست. (خسروثزاد ۱۳۷۸)

۲. هدف پژوهش

به این شکل پژوهش حاضر بر آن است تا در جهت تدوین مبانی نظری ادبیات کودک به تدوین فلسفه این ادبیات دست یازد. گمان بر آن است که این کوشش و گسترش چنین کوشش هایی می تواند منجر به بارور شدن حیطه نقد روشمند در ادبیات کودک گردد و گسترش نقد روشمند نیز به نوبه خود خواهد توانست آفرینندگان آثار ادبی برای کودکان را بر نقاط قوت و ضعف خود آگاه نموده و مسیر آفرینش های برتر را هموار سازد. منظور از نقد روشمند رویکردی به نقد است که فارغ از گرایش ها و تمایلات شخصی، با تکیه بر روش شناسی های موجود نقد ادبی به بررسی اثر ادبی می پردازد و یا اگر بر نظری بجز

^۱. Egoff

^۲. Stubbs

^۳. Hunt

چارچوب های روش شناختی موجود متکی است، آن نظر را به گونه ای منظم و صریح بر خواننده آشکار می سازد. به این ترتیب عمده ترین مقولات فلسفه ادبیات کودک - هدف و روش و ارزشیابی - موضوع بررسی این پژوهش خواهد بود.

۳. تعاریف

به گمان این پژوهش سه مفهوم تأویل، نظریه و فلسفه را می توان مفاهیمی یگانه و درهم تنیده دانست همچنانکه برتنس^۱ (۲۰۰۱) ذکر کرده:

زمانی بود که تأویل متون ادبی و نظریه ادبی دو چیز متفاوت و تقریباً بدون ارتباط تلقی می شد. . . . در سی ساله اخیر، اما، تأویل و نظریه بیش از پیش به هم نزدیک تر شده اند. در حقیقت برای بسیاری از منتقدین و نظریه پردازان معاصر تأویل و نظریه به هیچوجه نمی توانند جدا باشند (ص x ل).

و همچنانکه نیو (۱۹۹۱:۱) در اثر خود فلسفه ادبیات می گوید "ادبیات معرفتی است که سؤالات فلسفی ویژه خود را دارا است. نظریه پردازان ادبی در بدو امر با مباحث مربوط به ماهیت ادبیات درگیر بوده اند."

مؤلف مزبور، سپس، در فصول متعدد کتاب در پاسخ به سؤالاتی همچون "ادبیات چیست؟" به بررسی نظریات نظریه پردازان ادبی در این مورد می پردازد.

به این ترتیب و با توجه به آنچه نقل گردید پژوهش حاضر مفاهیم فلسفه، نظریه، تأویل (و در نتیجه نقد) را درهم تنیده و یگانه فرض کرده و مراد آن از فلسفه بحث هایی در زمینه ماهیت، هدف، روش و نقد ادبیات کودک است. به این ترتیب فلسفه ادبیات کودک از آنجا که به ماهیت، هدف و . . . می پردازد، فلسفه ای توصیفی و از آنجا که به نقد می پردازد و آن را نیز در بر می گیرد، فلسفه ای هنجاری است.

اما معنای ادبیات کودک - از آنجا که خود، بخشی عمده از موضوع این پژوهش است - بسته به نوع نتیجه ای است که فرایند پژوهش تدارک خواهد دید. در عین حال از آنجا که بی داشتن تصویری ابتدایی و ضمنی در ذهن، حرکت برای پژوهش ناممکن است، به پیروی از هانت (۱۷-۱۶:۱۹۹۶)، این تحقیق بر آن است که "کتابی که افراد ذکر شده در تعریف کودک آن را می خوانند یا برایشان مناسب است و یا از آن احساس خشنودی می کنند کتاب کودک است." (ص ۱۵)

آنچه از ادبیات کودک در این پژوهش مورد نظر است تنها شامل دو مقوله داستان و شعر خواهد بود.

^۱ Bertens